

## تحلیلی بر عوامل مؤثر بر طلاق زوجین جوان در استان لرستان

محمد رضا فارسی نژاد<sup>۱</sup>، اعظم عارفی<sup>۲</sup>، لیلا دوستی<sup>۳</sup>

---<sup>۱</sup>متخصص پزشکی قانونی، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران

<sup>۲</sup>کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد لرستان

<sup>۳</sup>کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، مرکز تحقیقات پزشکی قانونی، سازمان پزشکی قانونی کشور، تهران، ایران

---

### چکیده

پژوهش حاضر تحلیلی است در راستای بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زوجین جوان، روش تحقیق توصیفی مبتنی بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است. توجه به بنیادی‌ترین نهاد یعنی خانواده در راستای کاهش مخاطرات و آسیب‌های جدی، در جامعه مؤثر می‌باشد. بررسی‌ها می‌بیند این است که عوامل مؤثر بر طلاق یکسان نیست و اگر نهاد مقدس خانواده به هر شکلی دستخوش تغییرات منفی شود خود می‌تواند عاملی جهت بروز طلاق و رخ دادن پیامدهای آن شود. علاوه بر نهاد خانواده، نظام آموزش و پرورش نقش مهمی در هدایت جامعه دارد، آموزش و پرورش، به‌عنوان نهاد اثرگذار در امر تعلیم و تربیت و فرهنگ-پذیری افراد، می‌تواند ایفای نقش نماید. این نظام ارزشمند با آموزش و آگاه‌سازی فرزندان به یادگیری اهداف و ارزش‌های کلی در جامعه کمک می‌نماید و نقش مؤثری در امر مهم فرهنگ‌پذیری خواهد داشت. در راستای کاهش نرخ طلاق در کشور و استان است می‌بایست در جهت تقویت ساختار خانواده، با شناخت مسائل و مشکلات زوجین، گامی در جهت رفع یا کاهش این مشکلات برداشته. تا این نهاد مهم و اثرگذار، کمتر دستخوش مسائل متعدد آسیب‌زا شود.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل، عوامل مؤثر، طلاق، زوجین جوان، لرستان

---

## مقدمه

خانواده نهادی است که از یک سو با جامعه و از سوی دیگر با خود فرد پیوند دارد. اهمیت این نهاد به اندازه‌ای است که از پایه های بنیادین جامعه شمرده می‌شود و رسیدن به جامعه ای سالم در گرو دستیابی به خانواده ای سالم است (برنستاین و مارسی، ۱۳۸۰). آن چه از ازدواج و تشکیل خانواده مهم تر به نظر می‌رسد رضایت زناشویی به منزله یکی از عمیق ترین و اساسی ترین لذت های بشری است که در عین حال نبود آن یکی از بزرگترین و ژرفترین سرچشمه‌های رنج است (مک کی و همکاران، ۱۳۷۸). که تأثیرات آن در همه جنبه های زندگی تجربه می‌شود. خانواده بستر تمام شئون اجتماعی و خاستگاه افرادی است که با جسم و اندیشه‌ای سالم و پویا چرخه حیات جامعه را به گردش درآورده‌اند. خانواده نخستین نهادی است که برای پاسخگویی به نیازهای فطری بشر و به ویژه نیاز به زندگی اجتماعی شکل گرفته است و نزدیک‌ترین و عمیق‌ترین تعامل بشر در بستر خانواده تحقق می‌یابد به گونه‌ای که هیچ یک از انسان‌ها خود را بی نیاز از عضویت در این نهاد اولیه ندانسته و همواره تلاش کرده‌اند تا به طرق مختلف برای تحکیم پایه‌های این مجموعه انسانی، راهکارهای مناسب و علمی ارائه کنند امروز خانواده با چالش‌ها و آسیب‌هایی مواجه است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها طلاق و افزایش میزان آن است (اسحاقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۸).

طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص، قانون، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکلیفی ندارند (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۱). طلاق مهم‌ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده را از هم می‌گسلد و در زمره غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی است. طلاق تعادل انسان‌ها را بر هم زده و آثار شومی را در جامعه بر جا می‌گذارد. هر چند ازدواج امری مربوط به دو فرد است، لیکن طلاق امری اجتماعی است که صدمه وزیان آن دامان جامعه را نیز فرا می‌گیرد (بیگی، ۱۳۸۸: ۱۳).

به همان میزان که طلاق در زندگی خانوادگی افزایش می‌یابد، آثار و پیامدهای آن نیز هر روز بیش از گذشته حیات جامعه و سلامتی افراد جامعه را تهدید می‌کند. نگاهی به وضعیت طلاق در ایران نشان می‌دهد که نرخ رشد طلاق طی سالهای اخیر سیر صعودی داشته است بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی سازمان ثبت احوال در ایران در سال ۱۳۸۷ از جمعیت متاهل کشور ۱۱۰۵۱۰ نفر طلاق گرفته‌اند و این رقم در سال ۱۳۹۱ به ۱۵۰۳۲۴ نفر افزایش یافته است. نسبت ازدواج به طلاق هم طی سالها متفاوت بوده است. مثلاً در سال ۱۳۸۷ این نسبت ۸ بوده که بدین معناست در مقابل هر ۸ ازدواج ثبت شده، یک طلاق به ثبت رسیده است. این نسبت در سالهای بعد سیر نزولی داشته مثلاً در سال ۱۳۹۱ به ازای هر ۵٫۵ ازدواج ثبت شده، یک طلاق به ثبت رسیده است. این اعداد نشان‌دهنده رشد میزان طلاق در کشور است (فیروز جانیان و همکاران، ۱۳۹۷).

تعداد واقعه طلاق‌های رخ داده شده به ازدواج های ثبت شده در سال ۱۳۹۹ در استان لرستان به ازای ۱۴ هزار و ۶۵۲ واقعه ازدواج، ۴ هزار و ۱۲۷ واقعه طلاق ثبت شده است. که به نسبت تفکیک در شهرستان خرم‌آباد در هر ۴ هزار و ۳۷۲ واقعه ازدواج یک هزار و ۲۹۰ واقعه طلاق ثبت شده است، بروجرد نیز در هر ۲ هزار و ۴۷۹ واقعه ازدواج ۹۷۳ واقعه طلاق ثبت شده است. کوهدشت در هر ۲ هزار و ۲۲۰ واقعه ازدواج ۴۰۸ واقعه طلاق رخ داده است و در دورود هر یک هزار و ۴۲۹ واقعه ازدواج ۴۵۵ واقعه طلاق و دلفان در هر یک هزار و ۲۵۹ واقعه ازدواج ۳۱۹ واقعه طلاق منجر شده است. شهرستان الیگودرز ۲۵۸ واقعه طلاق از هر یک هزار و ۲۴۹ واقعه ازدواج، ۱۱۷ واقعه طلاق در شهرستان سلسله از ۵۶۴ واقعه ازدواج ثبت شده است. همچنین در شهرستان پلدختر ۱۰۸ واقعه طلاق در ۵۴۲ واقعه ازدواج و ازنا ۱۹۹ واقعه طلاق در ۵۳۸ واقعه ازدواج رخ داده است. (به نقل از علی اکبر باقری، ۱۴۰۰).

طبق اطلاعات بدست آمده از سازمان ثبت احوال استان در سال ۱۴۰۱ بیشترین طلاق در خرم‌آباد، بروجرد و دورود و کمترین در سلسله و پلدختر ثبت شده است، به لحاظ ازدواج استان لرستان رتبه هشتم کشوری را دارد و به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت هشت مورد ازدواج ثبت شده و این درحالیست که میانگین کشوری به لحاظ هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت نرخ ازدواج ۶٫۹ است. بیشترین ازدواج در شهرستان‌های کوهدشت، دلفان و دورود و کمترین ازدواج در سلسله و پلدختر ثبت شده است. (به نقل از فریبرز امیری پریان، ۱۴۰۱). همچنین بر طبق گزارش وضعیت ازدواج و طلاق کشور که توسط دفتر برنامه ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان منتشر شده است. شهرستان‌های استان لرستان دارای وضعیت بحرانی در شاخص طلاق هستند. لذا بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق در استان لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

### بیان مسأله:

پدر و مادر دو عنصرند که هیچ یک به تنهایی نمی‌توانند مظهر ربوبیت الهی باشند، لکن از نکاح این دو تا اندازه‌ای یک مظهریت پذیرفتنی پیدا می‌شود، یکی منشا رحمت و رافت و دیگری مظهر شدت و صلابت می‌گردد و از نکاح و ازدواج این دو، گرمی خانواده پدید می‌آید و در پناه قدرت و شدت پدر و عطف و رحمت مادر، کودک تربیت الهی می‌یابد و خلیفه اوست. خانواده‌ای که در آن رافت و مهربانی امامت نکند، متلاشی می‌شود و در جامعه‌ای که این نوع خانواده اساس آن است، رحمت و رافت امامت نمی‌کند و صفت خدایی در آن تجلی نمی‌کند. طلاق که ویرانگر نظام خانواده و نیز در شرع اسلام از مبعوض ترین حلال‌هاست، همواره مایه سلب آرامش اعضای خانواده مخصوصاً زن است (آیت اعلیٰ، جوادی آملی، ۱۳۸۴).

طلاق مهم ترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار می‌رود و شناخت عوامل مؤثر در آن یا متأثر از آن از اولویتهای بهداشت روان است. از طرفی، این پدیده دارای اضلاعی به تعداد تمامی جوانب و ابعاد جامعه انسانی است. نخست، پدیده‌ای روانی است؛ زیرا در تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه فرزندان، بستگان، دوستان، و نزدیکان آن‌ها اثر می‌گذارد؛ دوم، پدیده‌ای اقتصادی است که به از هم پاشیدگی خانواده به منزله واحدی اقتصادی می‌انجامد و موجب از بین رفتن تعادل روانی انسان‌ها و بروز تأثیراتی سهمگین در زندگی آنان می‌شود؛ سوم، پدیده‌ای است مؤثر در تمامی جوانب جامعه؛ زیرا از طرفی در کمیت جمعیت اثر می‌گذارد چون یگانه واحد مشروع و اساسی تولید مثل، یعنی خانواده، را از هم می‌پاشد و از طرف دیگر، در کیفیت جمعیت اثر دارد چون باعث می‌شود فرزندان محروم از نعمت‌های خانواده تحویل جامعه داده شوند که به احتمال بسیار، شرایط لازم را برای احراز مقام شهروندی جامعه ندارند؛ چهارم، پدیده‌ای فرهنگی است. طلاق از دیدگاهی دیگر پدیده‌ای ارتباطی است. بدین سان، در جامعه‌ای که فاقد ارتباط‌های سالم، درست، و طبیعی است پیوند یا رابطه زناشویی نیز استثنا نیست (ریحانی و عجم، ۱۳۸۱).

ایران کشوری است که بیش از ۹۹٪ جمعیت آن مسلمان هستند و دین اسلام طلاق را تقبیح کرده است. اما بیشترین رشد میزان طلاق در بین کشورهای اسلامی و شمال آفریقا متعلق به ایران است (فرزانگان و همکار، ۲۰۱۶).

به گزارش سازمان ثبت احوال استان لرستان، در استان لرستان طی سال ۱۳۹۹ تعداد ۱۵۰۳۵ واقعه ازدواج و ۴۱۷۹ واقعه طلاق به ثبت رسیده است. نرخ ازدواج در سال ۹۸ برابر ۷٫۸ در هزار بوده، به عبارتی در سال ۹۹ در برابر هر هزار نفر جمعیت تقریباً ۸ مورد ازدواج به ثبت رسیده است. همچنین نرخ طلاق استان نیز در سال ۹۹ بابر ۲٫۲ در هزار بوده، یعنی در مقابل ۱۰۰۰ نفر جمعیت استان به طور متوسط ۲ واقعه طلاق به ثبت رسیده است. (سالنامه آماری ثبت احوال لرستان- سال ۱۳۹۹)

مطالعات انجام شده در ایران علل مختلفی را برای طلاق ذکر کرده‌اند. از جمله علل شایع طلاق می‌توان به عواملی نظیر: مداخلات خانوادگی یا فامیل، انتخاب اشتباه همسر، عدم برآورده شدن نیازهای عاطفی، سن ازدواج و اختلاف سنی زوجین، سطح تحصیلات و تفاوت تحصیلی زوجین، مشکلات مالی و اقتصادی، عوامل و مسائل خانوادگی، سوء مصرف مواد و ارتکاب جرم به‌عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر طلاق اشاره نمود (ستوده و همکاران، ۱۳۹۹).

پس توجه به طلاق نه تنها از دیدگاه فرد، به منزله انسان و فرزندانش، مهم است، بلکه از دیدگاه جامعه، فرهنگ، اقتصاد و حتی جمعیت قابل اعتناست. از نظر اسلام نیز منفورترین امر نزد خداوند متعال، که در کلام معصوم (ع) از آن به لرزش عرش تعبیر شده، طلاق است. در ضمن توصیه‌های اخلاقی بسیاری درباره تشکیل خانواده و تلاش برای حفظ آن با نیت تقرب به ذات اقدس وی در متون اسلامی آمده است. با وجود این، هر روز بر تعداد مراجعه کنندگان به مراجع قضایی، برای ارائه دادخواست (به ویژه از سوی زنان) مبنی بر طلاق و اختلاف خانوادگی، افزوده می‌شود و این معضل بزرگ اجتماعی در هیچ زمانی مانند عصر حاضر خطر از بین بردن کانون خانواده و آثار سوء ناشی از آن را به دنبال نداشته است. اگر جامعه‌ای به سوی افزایش طلاق پیش رود، حتماً در آستانه بحران قرار می‌گیرد. طی تحقیقات انجام شده تأثیرات طلاق و نتایج آن را می‌توان به شرح زیر بیان کرد (همان، الف). الف - ایجاد اختلالات روانی، به خصوص افسردگی، اختلالات اضطرابی، رفتارهای پرخاش گرانه، و...؛ ب - ناتوانی در تحمل مشکلات کار و زندگی؛ ج - افزایش انحراف‌های اجتماعی در بین زنان و مردان مطلقه؛ د - احساس شکست در زندگی به شکل دل‌تنگی، خستگی، از پا افتادگی، احساس پوچی و بی‌معنایی، و...؛ ه - ایجاد تفکرات نامطلوب و پارانوئیدی درباره جنس مخالف؛ و - احساس گناه و ندامت؛ ز - خودکشی. (فولادی و همکار، ۱۳۹۴).

### اهمیت و ضرورت مسأله :

طلاق به معنای پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است که در پی آن حقوق و تکالیف متقابلی از میان می‌رود که بین زوجین هنگام ازدواج وجود داشته است. طلاق معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که استحکام رابطه زناشویی از بین می‌رود و میان زوجین اختلاف و درگیری به وجود می‌آید. معمولاً زنان بیش از مردان در معرض آسیب‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی طلاق قرار می‌گیرند که می‌توان به تن دادن به ازدواج موقت، سرخوردگی، خودکشی، اعتیاد، انحرافات جنسی و... اشاره کرد. به طور کلی مردان نیز از طلاق زیان می‌بینند؛ به همین سبب است که در اسلام، طلاق منفورترین حلال شناخته شده و در روایات آمده است که از این واقعه عرش الهی به لرزه درمی‌آید. در صورتی که این واقعه نامطلوب در سطح جامعه فراگیر شود و از حد متعارف خود خارج شود به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی مطرح می‌شود که باید مسئولان به آن رسیدگی کنند؛ چرا که این معضل اجتماعی آسیب‌های جدی به جامعه وارد می‌کند. طلاق پدیده‌ای اقتصادی نیز هست؛ زیرا خانواده را به‌عنوان یک واحد اقتصادی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. از طرفی عوامل اقتصادی مثل فقر و درآمد کم خانواده و تورم موجب جدایی زوجین می‌شود (صدرالاشرفی و همکاران، ۱۳۹۱). خانواده یکی از ارکان اساسی جامعه به شمار می‌رود و دستیابی به جامعه‌ای سالم، آشکارا در گرو سلامت آن است و از آن جایی که طلاق عاملی برای از هم گسیختگی نهاد خانواده است بررسی آن و عواملی که باعث تمایل زوجین به سمت طلاق می‌شود ضروری به نظر می‌رسد. در این میان طلاق از جمله آسیب‌ها و مشکلاتی است که سلامت جامعه را به خطر می‌اندازد و مانع پیشرفت آن می‌شود. چنان‌چه بتوانیم از علل و عوامل متعدد آن آگاهی یابیم، می‌توانیم نیم از بروز آن‌ها جلوگیری کنیم و از عواقب سخت طلاق‌رهایی یابیم. همچنین بر طبق گزارش وضعیت ازدواج و طلاق کشور که در دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان منتشر شده است، سه شهرستان دلفان، دورود و

بروجرد در استان لرستان، دارای وضعیت بحرانی در شاخص طلاق هستند. انجام این تحقیق جهت بررسی عوامل مؤثر بر طلاق زوجین جوان، ممکن است زمینه ساز مسیری روشن برای کمک به زوجین، جهت کاهش نرخ آمار طلاق باشد، همچنین زندگی زوجین جوان همراه با ثبات و رضایتمندی بیشتری باشد. لذا بررسی عوامل مؤثر بر ضروری به نظر می رسد.

## اهداف تحقیق:

### هدف کلی

رویکرد تحلیلی به بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استان لرستان و ارائه راعکار های لازم جهت پیشگیری از طلاق زوجین لرستانی می باشد.

### - بررسی پیشینه تجربی تحقیقاتی انجام شده

حسینی (۱۳۸۶) در مطالعات خود عوامل زیر را اساس طلاق در جوامع ایرانی برشمرده است: توقع های بی جا، تجمل گرایی، هوس بازی برخی همسران، درک نکردن یک دیگر، دخالت های بی مورد اطرافیان، درآمد پایین، ازدواج در سنین پایین، توسعه صنعتی و محیط زندگی.

بخشی (۱۳۸۳) در تحقیق تحت عنوان «نگرش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد» نتایج نشان می دهد که با بالا رفتن سن، میزان رضایت از زناشویی و پرهیز فرد در روابط خود با جنس مخالف، نگرش به طلاق سخت گیرانه تر می شود. همچنین، داده ها حاکی از آن است که جنسیت با نگرش به طلاق رابطه معنی داری نشان نمی دهد.

شعبانی (۱۳۸۲) تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق و شناسایی عوامل اجتماعی در شهر تبریز» انجام داده است. که نتایج تحلیل نشان داد تقاضای طلاق با اختلافات طبقاتی، اختلافات فرهنگی و آگاهی زن رابطه معنی ندارد، در حالی که تقاضای طلاق با دخالت دیگران، اعتیاد و الکلیسم و خشونت خانوادگی رابطه معناداری دارد.

ملتفت (۱۳۸۱) پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق در شهرستان داراب» انجام داده است براساس نتایج به دست آمده اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سنی، زوجین، تحصیلات زوجین و سن ازدواج با میزان گرایش به طلاق رابطه معنا دار مستقیمی دارد. همچنین تفاوت معناداری بین میزان گرایش به طلاق بر حسب رابطه خویشاوندی با همسر و محل تولد زن وجود دارد.

مطالعه کالمیچن و همکارانش (۲۰۰۴) در ارتباط با طلاق، نقش مینه های فرهنگ و اقتصادی را برجسته نشان داده است. نتایج نشان داده که اگر زنان به علت داشتن کار دارای درآمد باشند و نیز محل کارشان نیز برایشان جذاب و جالب توجه باشد، میزان طلاق نیز افزایش می یابد. همچنین، فرضیاتی که مربوط به زمینه های فرهنگی بودند نیز این نکته را با دلیل به اثبات رساندند که جدای از عوامل اقتصادی، طرفداران زنان از هنجارهای آزادی بخش به طور قابل توجهی میزان طلاق را افزایش می دهد. برخی دیگر از نتایج این تحقیق، حاکی از آن است که در حقیقت اعتبار تبیین کننده های اقتصادی در طلاق به واسطه ارزش- های فرهنگی حاصل می گردد.

ویلیام اچ دو هرتی (۲۰۰۷)، در مطالعه ای با عنوان «چقدر طلاق رایج است و عوامل مؤثر بر آن چیست؟» عوامل مؤثر بر طلاق را این گونه برشمرده: ازدواج در سنین پایین، درآمد و تحصیلات پایین، همبستری های قبل از ازدواج، بارداری قبل از ازدواج، عدم وابستگی مذهبی، عضو خانواده طلاق بودن و احساس ناامنی کردن. برخی دیگر از نتایج این تحقیق عمده ترین عوامل

مؤثر بر طلاق را عدم تعهد زوجین، مجادله زیاد، خیانت، عدم تحقق انتظارات، نزاع بین زوجین، عدم برابری در روابط جنسی و سوء استفاده معرفی کرده است.

بلوس فلد و هوم (۲۰۰۰) در تحقیقی با عنوان «علت و پیامدهای طلاق» در آمریکا اقدام به پژوهش نمودند. نتایج نشان داد که شبکه تعاملات فرد و نوع الگوی زندگی بر طلاق تاثیرگذار است؛ قطبی (۲۰۰۴) در پژوهشی علل طلاق در کشورهای اروپایی و آمریکایی را ضعف در برقراری ارتباط، مشکلات مالی، نداشتن احساس مسئولیت، بی وفایی و خیانت، برآورده نشدن انتظارات، اعتیاد، سوء استفاده فیزیکی یا روحی و نداشتن توانایی حل مسئله ذکر کرده است.

### روش تحقیق

با توجه به عنوان تحقیق، روش پژوهش، روش توصیفی مبتنی بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای است که در آن پژوهشگر به بررسی دیدگاه‌های مطرح در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر طلاق پرداخته است.

### مفاهیم

#### ازدواج:

در رابطه با انسان مساله نکاح مطرح است که در آن ایجاد زمینه برای رشد و پیشروی و آسایش و سعادت و همکاریها و مساعدتها قابل ذکر است.

ازدواج مهمترین قدمی است که فرد در زندگی برمی‌دارد. این اقدام ممکن است تمام زندگی شخص را از نو بسازد یا خراب کند، می‌تواند شخصیتی نوبنا کند و یا شخصیت فرد را متلاشی گرداند (امینی، ۱۳۷۶).

#### طلاق:

واژه طلاق در لغت به معنی بیزاری و جدایی کامل است. و در لغت عرب، واژه تطلیق بیشتر برای گسست پیوند زناشویی به کار می‌رود. طلاق در اصطلاح این چنین تعریف شده است که: «و شرعا ازاله قید النکاح بصیغه طالق و شبه‌ها» ترجمه: طلاق عبارت از زایل کردن قید ازدواج با لفظ مخصوص «انت طالق» و شبیه آن، می‌باشد. طلاق انحلال عقد نکاح دائم است. توجه به این نکته لازم است که طلاق «ایقاع» می‌باشد. و آن عبارت است از لفظی که بر انشاء مخصوص از سوی طرف واحد دلالت دارد. به عبارت دیگر، عقد نیازمند ایجاب و قبول است و ایقاع نیازی به قبول ندارد. در اصطلاح حقوقی طلاق عبارت است از: جدا شدن زن از مرد، به سبب انحلال نکاح دائم، با شرایط و تشریفات خاص از جانب مرد یا نماینده قانونی او، که با حکم دادگاه انجام می‌شود. در اصطلاح حقوقی، طلاق این گونه تفسیر شده است: «طلاق ایقاعی است که به موجب آن، مرد به اذن یا حکم دادگاه زنی را که به طور دائم در قید زناشویی اوست، رها می‌سازد». در شریعت نیز، گسست پیوند زناشویی به فسخ یا طلاق صورت می‌گیرد.

طلاق مهمترین عامل از هم گسیختگی ساختار بنیادی بخش جامعه، یعنی خانواده است. طلاق بر انحلال یک ازدواج رسمی در زمانی که طرفین آن هنوز در قید حیاتند و بعد از آن آزادند تا دوباره ازدواج کنند دلالت می‌کند. بالا رفتن میزان آن نشانه بارز

اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شود (ملک محمودی، ۱۳۸۱).

### علل طلاق:

شرایط نامساعد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک بر اساس موارد غیر معقول و غیرمنطقی از آغاز، طلاق را در بطن خود دارد، به نحوی که وقوع آن از همان ابتدا قابل پیش بینی است و حتی اگر به عللی زندگی زناشویی تداوم یابد و یا به انحلال خانواده منجر نشود،

### ازدواج‌های قبلی

بعد از هر بار ازدواج، تا حدی خطر طلاق در ازدواج بعدی افزایش می‌یابد. چرا که بسیاری از افراد بعد از طلاق بدون اینکه از لحاظ روانی به دلیل شکست ناشی از ازدواج قبلی خود بهبود یافته و آمادگی لازم برای شروع یک رابطه جدید را داشته باشند، وارد یک رابطه جدید می‌شوند. همین امر سبب ناکامی در رابطه‌های بعدی فرد نیز می‌شود. علت اصلی طلاق در این موارد، وارد رابطه جدید شدن برای فراموش کردن رابطه پیشین خود است.

### مسائل و مشکلات مالی

فقر مهم‌ترین شاخصی است که بیشتر از هر عامل دیگری خطر طلاق را افزایش می‌دهد. زوج‌هایی که در زندگی بدهی‌های بالایی دارند، به طلاق نزدیک‌تر می‌شوند. بین مادیات و شادی یک رابطه مستقیم وجود دارد. زوج‌هایی که همواره در فکر این موضوع هستند که چه بخورند، چه چیزهایی می‌توانند بخرند یا نمی‌توانند بخرند، نسبت به کسانی که مشکل مالی ندارند کمتر احساس شادی می‌کنند.

### اعتقادات و باورهای مذهبی

همسان بودن اعتقادات، ارزش‌ها و باورهای زوجین با یکدیگر نقش مهمی در پیشگیری از طلاق را ایفا می‌کند. طلاق در میان زن و شوهرهایی که هر دو افرادی مذهبی هستند به مراتب کمتر از افراد غیر مذهبی است. از همین رو افرادی که اعتقادات و باورهای دینی یکسان دارند بیشتر از افرادی که عقاید مذهبی متفاوت دارند در کنار هم می‌مانند.

### تفاوت سنی زیاد

از گذشته تا کنون یکی از دغدغه‌های مربوط به ازدواج، ازدواج دو فرد از دو نسل متفاوت است! بر اساس تحقیقات انجام شده بر روی این موضوع بهترین تفاوت سنی در ازدواج بزرگتر بودن شوهر در حدود ۲ تا ۸ سال از همسرش است. در این [اختلاف سنی](#) احتمال طلاق بسیار کمتر از زمانی است که اختلاف سنی دو فرد در خارج از این محدوده باشد.

### عدم آموزش زوجین

استفاده از جلسات مشاوره طلاق می‌تواند به طور قابل توجهی در کاهش آمار طلاق مؤثر باشد. طی این جلسات به همسران مهارت‌های لازم برای حل مسائل و چالش‌هایی که در مراحل بعدی زندگی ممکن است به اختلافات تمام عیار تبدیل گردد، آموزش داده می‌شود. باید در زمان مواجهه با مشکلات، آن‌ها را ریشه‌یابی کرده و حل نمایید.

## اختلاف نظر در تربیت کودک و فرزندان

عدم تفاهم و اختلاف نظر بر روی مسائل مختلف، به خصوص تربیت فرزند از جمله مواردی است که به طلاق منجر می‌شود. بسیاری والدین بر سر اینکه چه کسی باید تربیت فرزند را به عهده بگیرد با یکدیگر به مشکل بر می‌خورند، دریغ از اینکه هر دو باید در تربیت فرزند همسو با یکدیگر باشند. والدین در صورتی که همسر خوبی برای هم باشند و بتوانند اختلاف نظرهایشان را حل کنند، می‌توانند والدین خوبی نیز برای فرزند خود باشند. طلاق به علت عدم بچه دار شدن نیز می‌تواند از دلایل طلاق باشد.

### بچه های طلاق

معمولاً کودکان طلاق، نسبت به کودکان عادی در ازدواج‌شان با مشکلات بیشتری روبه رو می‌شوند. احتمال طلاق در افرادی که در خانواده‌ی طلاق رشد کرده‌اند ۵۰ درصد بیشتر است. مهمترین دلایل آن ناشی از خاطرات فرد در دوران کودکی، توجه زیاد و یا کم توجهی بیش از حد از سوی اطرافیان نسبت به آنان در دوران کودکی و ... است.

### خیانت

یکی از نگران کننده‌ترین علل جدایی، طلاق به دلیل خیانت است. در بسیاری از موارد خیانت به تنهایی سبب طلاق نمی‌شود. معمولاً همسران خائن قادر به متقاعد کردن یکدیگر هستند و مدتی مسئله را به تاخیر می‌اندازند. زمانی خیانت تبدیل به طلاق می‌شود که اعتماد بین زوجین کاملاً از بین رفته باشد. کسی که مورد خیانت قرار گرفته به دلیل احساس طرد یا رها شدن از سوی شریک زندگی‌اش به رفتارهای خشونت آمیز متوسل می‌شود که این امر سبب بدتر شدن رابطه خواهد شد.

## مشکلات و عدم آموزش جنسی

مشکلات در مسائل جنسی یکی دیگر از مهم‌ترین علل و عوامل طلاق است. زوج‌هایی که نوع و میزان [رابطه جنسی](#) متفاوتی با هم دارند، با این مشکل روبرو خواهند شد. در این شرایط یکی از زوجین تحت فشار قرار گرفته و از طرف مقابل خود احساس بی‌اعتنایی می‌کند و همین امر مسبب طلاق این دو فرد می‌گردد.

## اعتیاد به مواد مخدر و الکل

سوء مصرف مواد مخدر و الکل می‌تواند نقش مهمی در از هم پاشیدن بسیاری از زندگی‌ها داشته باشد. به دلیل خماری ناشی از اعتیاد، فرد معتاد ممکن است بد رفتار شود، دروغ بگوید، قانون گریز شود، دزدی کند و تمام فکرش تهیه مواد مخدر یا الکل می‌شود. از همین رو فشارهای عاطفی و روانی زیادی را به همسر و خانواده خود وارد می‌کند. در جامعه نیز این افراد از دید مردم وجه مناسبی ندارند.

## اختلالات و مشکلات روحی و روانی

در مواردی که یکی از همسران دچار اختلالات روحی و روانی، افسردگی، اضطراب، اختلالات شخصیتی و... باشد، سبب به وجود آمدن رفتارهایی در او می‌شود که باعث رنج کشیدن همسر و خانواده او می‌گردد. بیماری‌ها و اختلالات روانی باید به موقع درمان شوند تا از طلاق و سایر مشکلات پیشگیری شود.

## رسانه های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی به تنهایی عامل اصلی طلاق نیستند اما می‌توانند بستر بسیار قوی برای اختلافات زناشویی که منجر به طلاق می‌شود را فراهم کنند. تحقیقات نشان داده که بسیاری از زوجین به دلیل اعتیاد یکی از آن‌ها به شبکه‌های اجتماعی، جنگ و دعوای بسیاری با یکدیگر دارند.

## حل نکردن و نبخشدن اشتباهات قبلی

تمام افراد در زندگی مشترک خود دچار اشتباهاتی می‌شوند که باید در مورد آن‌ها صحبت کرده و مشکل را میان خود حل کنند. در صورتی که این مشکلات برطرف نشود و زوجین یکدیگر را نبخشند، در هر بحث و دعوایی از آن اشتباهات یاد می‌شود و امکان طلاق بالا می‌رود. البته توجه داشته باشید که منظور از اشتباه و بخشیدن آن مسائلی همچون خیانت نیست و این گونه مشکلات باید با دقت بیشتری بررسی شوند.

## از بین رفتن صمیمیت

صمیمیت یکی از ارکان بسیار مهم در زندگی مشترک است و در غیر این صورت رابطه زوجین رو به سردی رفته و به تدریج مشکلات زندگی افزایش پیدا می‌کند. در نتیجه پایه‌های زندگی مشترک سست شده و احتمال طلاق بالا می‌رود. به همین دلیل ضروری است که مشکلات خود را با کمک یک روانشناس برطرف سازید و اجازه بدتر شدن شرایط را ندهید.

## اختلاف طبقاتی

معمولا با شنیدن این نام به یاد شرایط مالی خانواده‌ها می‌افتید. اما این تفاوت به دیگر سطوح و دسته بندی های اجتماعی نیز اطلاق می‌شود. سطح تحصیلات، شغل، فرهنگ و تربیت و اصالت خانوادگی از دیگر اشکال اختلاف طبقاتی بین زوج است.

## خشونت

یک پدیده جهانی است که هر سال منجر به مرگ بیش از ۱٫۶ میلیون نفر می‌شود و آن را به یکی از علل اصلی مرگ و میر در سراسر جهان تبدیل می‌کند. استفاده عمدی از زور یا قدرت فیزیکی، تهدید شده یا واقعی، علیه خود، شخص دیگر، یا علیه یک گروه یا جامعه که منجر به جراحت، مرگ، آسیب روانی، توسعه نادرست یا محرومیت می‌شود را خشونت می‌گویند.

## برخی از آیات در خصوص طلاق:

در روایات، کلمات و سیره عملی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) مشاهده می‌شود، که آنان طلاق را بسیار مذموم و منفور معرفی کرده‌اند. برخی از روایات بدین قرارند:

**امام باقر(ع) از پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل فرمودند:** جبرئیل آن قدر بر من درباره زن سفارش و توصیه کرد که گمان کردم طلاق زن، جز در وقتی که مرتکب فحشاء قطعی شده باشد سزاوار نیست.

**امام صادق(ع) از پیامبر اکرم(ص) نقل فرمودند:** چیزی در نزد خدا محبوب‌تر از خانه‌ای که در آن پیوند ازدواجی صورت می‌گیرد وجود ندارد و چیزی در نزد خداوند مبعوض‌تر از خانه‌ای که در آن پیوندی با طلاق بگسلد وجود ندارد. **آنگاه امام صادق(ع) فرمود:** اینکه در قرآن نام طلاق مکرر آمده و جزئیات کار طلاق مورد عنایت و توجه قرآن واقع شده، از آن جهت است که خداوند جدایی را دشمن می‌دارد.

**طبرسی در مکارم الاخلاق از پیامبر(ص) نقل کرده است که حضرت فرمودند:** ازدواج کنید ولی طلاق ندهید، زیرا عرش الهی از طلاق می‌لرزد.

**امام صادق (ع) فرمودند:** هیچ چیز حلالی مانند طلاق، مبعوض و منفور پیشگاه الهی نیست. خداوند مردمان بسیار طلاق دهنده را دشمن می‌دارد.

**همچنین در روایات اهل سنت،** روایاتی فراوان است. در سنن ابن ماجه از پیامبر(ص) نقل کرده است که مبعوض‌ترین حلال در نزد خداوند طلاق است؛ یعنی در میان حلال‌ها هیچ چیز به اندازه طلاق، مبعوض نیست. قرآن کریم می‌فرماید: گر بیم آن داشته باشید که میان زن و شوهر شکاف و جدایی افتد، داوری از خاندان مرد و داوری از خاندان زن را برانگیزانید، اگر داوران نیت اصلاح داشته باشند خداوند میان زوجین توافق ایجاد می‌کند خداوند دانا و مطلع است(سورره مبارکه نساء، آیه ۳۵).

### **مبعوض بودن طلاق در اسلام**

در اسلام، پیوند زناشویی پیوند مقدسی است که برای آرامش روح و جسم بشر، لازم و ضروری است. قرآن کریم در آیات بسیاری به ازدواج فرمان داده و پیامبر اسلام نیز بسیار بر آن تأکید کرده و مسلمانان را از این که به خاطر ترس از فقر و نداری، تن به ازدواج ندهند، بر حذر می‌دارند. همانگونه که در اسلام، ازدواج امری مقدس و پسندیده می‌باشد و برای ثبات آن تأکید فراوان شده است، طلاق امری ناپسند و نامقدس است که برای جلوگیری از آن از هر وسیله ممکن استفاده شده و از آن در کلمات شارع مقدس، به‌عنوان مبعوضترین حلالها و امری که خشم خدا را به دنبال دارد، تعبیر شده است. طلاق از نظر اسلام، عملی ناپسند و مبعوض است تا حدی که آنرا زشت‌ترین مباح و "ابعض الحلال" خوانده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «ما من شیء مما احلها... عزوجل ابغض الیه من الطلاق...» ترجمه: هیچ چیز از آنچه خداوند متعال آن را حلال قرار داده است، نزد او منفورتر و ناپسندتر از طلاق نیست. در سخنی دیگر فرموده است: در اسلام، هیچ چیز نزد خداوند، مبعوضتر و نکوهیده‌تر از خانه‌ای نیست که با جدایی و طلاق خراب شود. خداوند از کسانی که به طلاق روی می‌آورند، بی‌زار است و هنگامی که طلاق رخ می‌دهد، عرش خداوند به لرزه در می‌آید. اسلام به‌عنوان یک دین همه‌جامع، کامل و مترقی، طلاق را جایز شمرده است؛ اما آن را مبعوضترین حلال می‌شمرد. نچه در سیرت پیشوایان دین مشاهده می‌شود این است که تا حدود امکان از طلاق پرهیز داشته‌اند لهذا طلاق از طرف آنها بسیار به ندرت صورت گرفته و هر وقت صورت گرفته دلیل معقول و منطقی داشته است.

### **مواردی که مبعوضیت طلاق را افزایش می‌دهد**

- الف) طلاق زنی که گناهی را مرتکب نشده است.
- ب) طلاق به خاطر این که همسر دیگری انتخاب کند و هوس خود را اقناع نماید؛ به عبارت دیگر به خاطر تنوع طلبی و هوس بازی از همسرش جدا شود.
- ج) طلاق همسر به خاطر ازدواج با فردی زیباتر.
- د) طلاق زنی که در همه حال با شوهرش سازش داشته و با فقر و بدبختی او ساخته و شکوه‌ای نکرده است.
- ه) طلاق زنی که از شوهر خود فرزندی دارد و پس از طلاق، فرزند بی‌سرپرست می‌شود.
- و) طلاق زنی که در حال بیماری است و ممکن است بر اثر آن حالش وخیم‌تر شود.

### مواردی که مبعوضیت طلاق را کاهش می دهد

طلاق که به خاطر بیماریهای جسمی سرایت کننده، بیماری روانی، کمبود جنسی، بد اخلاقی، بد دهنی، بی توجهی به جنبه های عفت و پاکدامنی، معاشرتهای ناروا، عقیم بودن، شرارتهای اعتیادها، بی توجهی به زمینه های مذهبی و عقیدتی و... صورت می گیرد.

### تدابیر اسلام برای پیشگیری از طلاق

#### الف - وضع حدود شرعی و محدودیتهای اجتماعی:

تأکیدهای اسلام بر حفظ پوشش مناسب برای زن و مرد در برابر بیگانه، رعایت حدود شرعی در برخوردهای دو نامحرم، پرهیز از اختلاط و برقراری روابط دوستانه بین زنان و مردان بیگانه در راستای پیشگیری از این خطر اجتماعی معنادار می شود و بر خلاف آنچه برخی تصور یا القاء می کنند هدف، ایجاد محدودیت و محرومیت نیست، بلکه ایجاد امنیت و مصونیت است اسلام با وضع قوانینی به ساماندهی سالم ارتباطات اجتماعی افراد می پردازد و نتیجه عمل به آن احکام، جایگزینی آرامش به جای تلاطم و هیجان و بهره برداری جامعه از حداکثر توان و استعدادهای زنان و مردان و جوانان خود می باشد.

#### ب - ایجاد انگیزه های روانی:

به جز این در تعالیم دینی و آموزه های رهبران معصوم دین، به شدت طلاق نکوهش می شود و با تعبیری همچون «ابغض الحلال» و درباره کسانی که با اصلاح و برطرف کردن اختلافات خانوادگی مانع از فروپاشی آن می گردند و موجبات بقای آن را فراهم می آورند، نیکوترین تعبیر به کار گرفته می شود. در معاشرتها و حتی در زمان کدورت و تقار بین زن و مرد، کرامت و فضیلت انسانی فراموش نگردد. نسبت به عملکرد غیرمسئولانه و بولهوسانه مردانی که مرتباً در فکر تجدید فراش و تعویض همسر می باشند با اطلاق «متذوق» و «ملعون» اعتراض و موضع گیری می کند. چنین تعبیری منجر به زمینه سازی فکری و روانی در جامعه می گردد که به هر حال به زنان و مردان طلاق گرفته به چشم انکار نگریسته می شود. این واقعیت را هر فرد در پس زمینه فکری جوامع مسلمانان می تواند دریابد که سابقه طلاق در زندگی یک فرد به عنوان یک نقطه منفی و یک نقطه ضعف محسوب می شود. ایجاد چنین نگرشی در سطح جامعه و تلقی منفی از طلاق و زنان و مردان طلاق گرفته از عوامل بازدارنده از وقوع طلاق می باشد که طبعا جامعه را از مصایب و آلام ناشی از طلاق حمایت می کند. اسلام به جای بستن راه طلاق، و کاهش دادن ازدواج، و حریص تر کردن مردم به جدایی، پایه های ازدواج را مستحکم گردانده و موجبات طلاق را از بین برده است و در نتیجه با اینکه طلاق در اسلام آزاد است البته اسلام به عنوان یک دین واقع گرا نمی تواند به دلیل مضرات ناشی از طلاق در هیچ شرایط و احوالی طلاق را نپذیرد و صد درصد بن بست ایجاد کند، زیرا به هر حال در مواقعی اختلافات زن و مرد درون خانواده به حد انفجار آمیزی می رسد که اجبار به ادامه چنین وضعی نه تنها به بهبود اوضاع نمی انجامد، بلکه احتمال دارد خود منجر به مصایب و فجایع دردناکی گردد و سلامتی زن و شوهر یا فرزندان خانواده در معرض مخاطره جدی قرار گیرد. لذا همان ملاحظاتی که حتی الامکان مانع تجویز طلاق می شود در این شرایط خاص طلاق را جایز می شمارد.

#### ج - ایجاد موانع:

تدبیر دیگر اسلام برای حفظ کیان خانواده هایی که در شرف انحلال و از هم پاشیدگی قرار گرفته اند؛ ایجاد موانع و به تعویق انداختن طلاق به هنگام بروز اختلافات است از جمله:

۱. وضع قانون حکمیت است که این قانون از نکات بسیار چشمگیر قوانین اسلامی است که بیش از هر چیز به دوام و قوام خانواده عنایت و توجه دارد. محتمل است زن و شوهر - به خصوص اگر جوان و فاقد تجربه کافی در زندگی مشترک باشد - تحت تأثیر عواملی کم اهمیت تصمیم به جدایی گرفته باشند و راه برخورد و حل مشکل را نمی‌دانند که در این صورت ورود افراد ذی صلاح و دارای تجربه و بصیرت به‌عنوان حکمی از سوی زن و حکمی از سوی مرد می‌تواند به ارائه دستور العمل‌ها و توافقاتی برای تعیین حد و مرز هر کدام از زوجین و پرهیز از تکرار برخوردهای سابق بینجامد که به میزان قابل توجهی از آمار جدایی‌ها می‌کاهد.

۲. عده برای زن مطلقه می‌باشد. تدبیر دیگری است که خود مرحله‌ای برای تأمل و تدبیر در واقعه اسف بار طلاق در زندگی است که البته حکم نگهداری عده اختصاص به اسلام ندارد. زیرا اکثر کشورها در حقوق مدنی خود قائل به نگهداری عده از سوی زن مطلقه می‌باشند منتها شیوه و مقرراتی که حاکم بر عده می‌باشد در اسلام مخصوص به این دین است و آن اینکه زن در طول دوران عده که در خانه شوهر سابق بسر می‌برد و مرد همانند گذشته مسؤول پرداخت نفقه و حواجی او می‌باشد و جز در موارد و وظایف خاص زناشویی که زن وظیفه‌ای ندارد، در بقیه موارد تقریباً اوضاع به همان صورت قبل از طلاق می‌باشد.

#### -دیدگاه شهید مرتضی مطهری در مورد طلاق-

استاد مطهری می‌فرماید: از نظر اسلام منتهای اهانت و تحقیر برای یک زن اینست که مرد بگوید من تو را دوست ندارم، از تو تنفر دارم و آنگاه قانون بخواهد به زور و اجبار آن زن را در خانه آن مرد نگهدارد. قانون می‌تواند اجباراً زن را در خانه مرد نگهدارد، ولی قادر نیست زن را در مقام طبیعی خود در محیط زناشویی، یعنی مقام محبوبیت و مرکزیت نگهداری کند. قانون قادر است مرد را مجبور به نگهداری از زن و پرداخت نفقه و غیره بکند، اما قادر نیست مرد را در مقام و مرتبه یک فداکار و بصورت یک نقطه "گردان" در گرد یک نقطه مرکزی نگهدارد. از این رو هر زمان که شعله محبت و علاقه مرد خاموش شود ازدواج از نظر طبیعی مرده است و حیات خانوادگی وابسته است به علاقه طرفین نه یک طرف. تنها چیزی که هست روانشناسی زن و مرد در این جهت متفاوت است. طبیعت علائق زوجین را به این صورت قرار داده است که زن را پاسخ دهنده به مرد قرار داده است. علاقه و محبت اصیل و پایدار زن همان است که بصورت عکس العمل به علاقه و احترام یک مرد نسبت باو بوجود می‌آید. از اینرو علاقه زن به مرد معلول علاقه مرد به زن و وابسته به اوست  
(<https://www.imamalicercenter.se/fa/content>).

#### علل و عوامل خانوادگی طلاق

##### 1- دخالت‌های بی‌مورد دیگران

دخالت‌های بی‌جای اطرافیان و آشنایان در زندگی خصوصی دو همسر و مخصوصاً در اختلافات آنها، عامل مهم دیگری است که پیوندها را می‌گسلد. تجربه نشان داده است، که اگر هنگام بروز اختلافات در میان همسران، آنها را به حال خود رها کنند و با جانب‌داری از این یا آن، به آتش این اختلاف دامن نزنند، چیزی نمی‌گذرد که این آتش خاموش می‌شود. ولی دخالت نزدیکان دو طرف، که غالباً با تعصب و محبت‌های ناروا همراه است، کار را مشکلتر می‌کند.

## 2- ازدواجهای اجباری

عامل دیگری که می‌تواند در افزایش طلاق نقش داشته باشد، تحمیل اراده پدر و مادر در انتخاب همسر برای فرزندان است. این اقدام مستبدانه و نابجا، معلول خودخواهی پدر و مادر است. در بعضی موارد ممکن است نیازهای مادی یا معاملات سیاسی، پدری را بر آن دارد که فرزند خود را همچون کالا مورد معامله قرار دهد. پیامدهای چنین ازدواجهایی طلاق، خودکشی، خیانت و... خواهد بود. امروزه در اثر رشد فرهنگی و اجتماعی، این‌گونه ازدواجها رو به تقلیل نهاده است. (کی‌نیا، صص ۲۶-۲۵).

## 3- عدم تربیت صحیح خانوادگی

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله در معرفی بدترین زنان می‌فرماید:  
زن کثیف، لجباز و نافرمان کسی است که، در دید فامیل پست و بی مقدار، نسبت به شوهرش فخر فروش و در نظر خود عزیز، نسبت به شوهرش سرکش، و با دیگران رام و تسلیم، زنی که در غیاب شوهر خود را زینت دهد و در خصوص وی بی‌پیرایه باشد، از شوهر اطاعت نکند، فرمانش را نپذیرد، در خلوت نسبت به خواسته شوهر تمکین نکند، عذر شوهر را نپذیرد و از خطایش در نگذرد. (مشکینی، صص ۷۷-۷۴).

## عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق

### 1- پذیرش اجتماعی

شاید مهمترین عاملی که باعث افزایش میزان طلاق در قرن بیستم شده است، پذیرش اجتماعی روز افزون وقوع طلاق باشد. این پذیرش، در نتیجه کاهش نگرشهای منفی نسبت به طلاق در کشورها مختلف بوده است. اگر چه طلاق همچنان به صورت یک امر نامطلوب و غیر خوشایند به نظر می‌رسد، اما در بین بیشتر مردم جامعه، دیگر گناهی غیرقابل بخشش جلوه داده نمی‌شود. زندگی اجتماعی امروزی طوری شکل گرفته که بیش از پیش موجبات جدایی، تفرقه و از هم گسستن پیوندهای خانوادگی را فراهم آورده است. مجله نیوزویک می‌نویسد: طلاق گرفتن در آمریکا به آسانی گرفتن یک تاکسی است. (ستوده، ص ۲۰۹).

همچنین در فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی آمده است: در غرب سهولت امر طلاق به قدری است که اخیراً در خیابانهای آمریکا ماشین‌هایی است که روی آن نوشته شده «ماشین طلاق» یعنی، اگر زن و شوهر در خیابان در رفت و آمد هستند و مشکل خانوادگی دارند یا در پارک دعوایشان شد به آن ماشین مراجعه می‌کنند و در همان جا از یک‌دیگر جدا می‌شوند. (مدرسی، ص ۵۵).

### 2- ناهماهنگی طبقاتی

اختلاف طبقاتی بین زن و مرد را می‌توان یکی از عوامل اجتماعی طلاق دانست. معمولاً اختلاف طبقاتی متضمن اختلاف شدید تربیتی است و هر یک از دختر و پسر با خواسته‌ها و طرز اندیشه‌های مختلفی رشد پیدا کرده‌اند و انتظارات مختلفی از یک‌دیگر دارند و توافق و سازگاری در بین آنها کمتر مشاهده می‌شود.

### 3- فقر اقتصادی

مشکلات مالی به تدریج در زندگی زوجین ظاهر می‌شود و ممکن است قسمتی از آنها مربوط به هزینه جشن ازدواج باشد. گاهی اوقات چشم هم‌چشمی‌ها باعث بالا رفتن هزینه‌ها می‌شود. قسمت دیگر مشکلات مربوط به نداشتن مسکن و پرداخت اجاره بهای سنگین می‌باشد که این هزینه‌ها با تولد فرزند چندین برابر می‌شود.

### - پیامدهای طلاق:

پیامدهای فردی، پیامدهای خانوادگی، پیامدهای اجتماعی از مهمترین پیامدهای طلاق هستند.

### - پیامدهای فردی

**پیامدهای فردی عبارتند از:** سرخوردگی از زندگی، حس بدبینی و تردید در ازدواج، مشکلات مالی زوجه

#### 1- سرخوردگی از زندگی

طلاق یک حالت سرخوردگی و یأس از زندگی و لذتها را برای طرفین به وجود می‌آورد. ممکن است هر کدام از این دو، بار دیگر ازدواج کنند؛ ولی زندگیشان آن خلوص و صفای بی غل و غش و مهر و صمیمیت اولیه را ندارد. محبتها نسبت به هم اغلب تصنعی و برخورد های جدید - به سبب تجارب قبلی که زمینه جدایی را فراهم آورده است - اغلب توأم با بی‌صفایی است.

#### 2- حس بدبینی و تردید در ازدواج

بسیاری از زنان بعد از طلاق، شانس زیادی برای ازدواج مجدد، آن هم به طور شایسته و دلخواه ندارند، و از این نظر گرفتار خسران شدیدی می‌شوند. حتی مردان نیز، بعد از طلاق دادن همسر خود، شانس ازدواج مطلوبشان به مراتب کمتر خواهد بود. مخصوصاً اگر پای فرزندان در میان باشد، غالباً ناچار می‌شوند، تن به ازدواجی دهند که تا پایان عمر رنج ببرند. همچنین اگر در جامعه‌ای طلاق رو به فزونی گذارد، اعتماد جوانان نسبت به همسر آینده کم خواهد شد و تا حدودی در ذهنشان چنین القا خواهد شد که زندگی متعادل و سازگاری با همسر، کاری دشوار و حتی غیرممکن است.

#### 3- مشکلات مالی زوجه

زنان مطلقه، بعد از طلاق به سبب نداشتن شغل مناسب، از نظر اقتصادی دچار مشکل می‌شوند. همچنین خانواده برخی از این زنان آنها را مورد حمایت مادی خود قرار نمی‌دهند. برخی از زنان هم به حق و حقوق دسترسی ندارند و همین مشکل، گاه موجب فساد و فحشا می‌شود. این زنان اغلب دچار مشکلات روانی می‌شوند که حداقل آن افسردگی است. در صورتی که میزان افسردگی بیشتر شود، فرد دچار یأس و ناامیدی شده، دست به جنایت و یا خودکشی می‌زند. حتی برخی زنها فرزندان خود را می‌کشند. برخی نیز به اعتیاد روی می‌آورند تا خودشان و مشکلاتشان را فراموش کنند.

### پیامدهای خانوادگی

پیدایش عقده‌های روانی در کودکان، گرایش به خلافکاری در فرزندان، ناسازگاری فرزندان با نامادری یا ناپدیری از عمده پیامدهای خانوادگی ناشی از طلاق هستند.

#### 1- پیدایش عقده‌های روانی در کودکان

روانشناسان با مطالعه همه جانبه و بررسی‌هایی که به عمل آورده‌اند، دریافته‌اند کودکانی که پدر و مادرشان از یکدیگر جدا شده‌اند و یا والدین خویش را از دست داده‌اند، معمولاً به عوارض زیر دچار می‌شوند: 1- ترس بدون دلیل 2- بی‌خوابی 3- بی‌اشتهایی و اختلال در تغذیه 4- لکنت زبان 5- پرخاشگری و تجاوز به دیگران. (حیدری، صص ۷۰-۶۹).

اعضای خانواده هر کدام بخشی از یک زنجیر هستند که پس از پاره شدن، فرزندان بی‌پناه و سرگردان می‌شوند؛ حتی اگر زیر حمایت یکی از این دو زنجیر قرار گیرند، باز هم حلقه‌ای گسسته به شمار می‌آیند و اغلب دچار کمبود عاطفی می‌گردند. از این رو موجبات خسران اجتماعی را فراهم می‌سازند. «آنتونی گیدنز» در این باره چنین می‌گوید: میزان ستیز میان پدر و مادر قبل از جدایی، سن کودکان در آن زمان، این که آنها برادر یا خواهر دارند یا خیر، وجود پدر بزرگ و مادر بزرگ و سایر خویشاوندان، روابط آنها با هر یک از والدین و این که اغلب تا چه حد پدر و مادر را می‌بینند، همه این عوامل و عوامل دیگر می‌توانند بر

فرایند سازگاری تأثیر داشته باشند. تحقیقات نشان می‌دهد که کودکان پس از جدایی پدر و مادرشان، در واقع اغلب از اضطراب عاطفی آشکاری رنج می‌برند. وی در ادامه در مورد کودکانی که اضطراب عاطفی شدیدی را در زمان طلاق تجربه کرده‌اند، می‌گوید: کودکانی که در سن قبل از مدرسه بودند، دچار سردرگمی و وحشت بودند و معمولاً خود را به خاطر این جدایی مقصر می‌دانستند. کودکان بزرگتر بهتر می‌توانستند انگیزه‌های پدر و مادرشان را برای طلاق درک کنند؛ اما اغلب نگران اثرات آن بر آینده خود بودند و غالباً احساس خشم شدیدی را نشان می‌دادند. (گیدنز، صص ۴۳۲-۴۳۱).

## 2- گرایش به خلافتاری در فرزندان

آسیب‌شناسان اجتماعی، یکی از عمده‌ترین علل بزهکاری کودکان را ستیز در خانواده می‌دانند و معتقدند جدایی والدین نقش بسیار منفی و ویران‌گری در شخصیت کودکان دارد و زمینه را برای ارتکاب بزهکاری در آنان فراهم می‌آورد. بیشتر بزهکاران آغاز سرکشی خود را جدایی پدر و مادر، اختلافات خانوادگی و متشنج بودن فضای خانواده ذکر کرده‌اند. جای تردید نیست که خانواده نقش مهمی در پایه‌ریزی شخصیت کودک بر عهده دارد. کودک امنیت عاطفی خود را در آغوش خانواده به دست می‌آورد. بنابراین هر نوع خدشه‌ای که به این امنیت عاطفی وارد شود، در روند طبیعی شکل‌گیری شخصیت، ممکن است.

## 3- ناسازگاری فرزندان با نامادری یا ناپدری

کمتر دیده شده که نامادریها همچون مادر، دلسوز و مهربان باشند و بتوانند خلأ عاطفی فرزندان را که از آغوش پر مهر مادر بریده شده‌اند، پر کنند. در مورد ناپدری نیز همین امر صادق است. البته هستند زنان و مردانی که نسبت به غیر فرزندان خود، پر محبت و وفا دارند؛ ولی مسلماً تعداد آنها کم است. به همین دلیل فرزندان طلاق، گرفتار بزرگترین زیان و خسران می‌شوند و شاید اغلب آنها، سلامت روانی خود را تا آخر عمر از دست بدهند.

## پیامدهای اجتماعی

انحرافات جنسی و افزایش بزهکاری از مهمترین پیامدهای اجتماعی ناشی از طلاق، هستند.

## 1- انحرافات جنسی

از هم گسیختگی خانواده، کمبود محبت، طرد خانوادگی، تحقیر و بالأخره بیماریهای روانی و شخصیت تلقین‌پذیر، جوانان را به سوی فحشا سوق می‌دهد. یکی از انحرافات جنسی، «همجنس‌گرایی» است. تحقیقات در این زمینه بیانگر این مطلب است که، یکی از عوامل گرایش به همجنس‌گرایی «همانند سازی» است. در آسیب‌شناسی اجتماعی همانندسازی چنین تعریف شده است: همانندسازی به فرایند عادی یادگیری نقشهای اجتماعی مناسب در دوره کودکی گفته می‌شود که کودک به طور ناهشیار از رفتار بزرگسالانی که برای او مهم هستند، یاد می‌گیرد. (نیک چهره محسنی، صص ۱۸۲). خانواده‌های تک‌والدی که بر اثر گسست خانواده، به ناچار چنین شرایطی را برای خود پذیرفته‌اند در ایجاد همجنس‌گرایی مؤثر هستند. روان‌شناسان بر این باورند که محرومیت و دوری از پدر بویژه در زمانی که کودک در مرحله رشد جنسی است، با وجود مادری سختگیر یا مادری که دائم به تنهایی در کار پرورش فرزند پسر دخالت می‌کند، سبب می‌شود که پسر به چنین انحرافی دچار گردد. بنابراین اگر پسر در خانواده‌ای رشد کند که به شیوه مادرسالاری اداره می‌شود و مادرش فردی سلطه‌گر و محدود کننده و نقش پدر ضعیف باشد، چون مادر را مظهر و منبع قدرت می‌داند، خود را با او همانندسازی کرده، و نقش زنانه را می‌پذیرد و به همین دلیل، ممکن است از نظر برقراری رابطه جنسی به مردها متمایل گردد.

## 2- افزایش بزهکاری

تحقیقات زیادی گویای این واقعیت است که رابطه نزدیکی، بین بی‌ثباتی در زندگی و بزهکاری جوانان و نوجوان وجود دارد. شکی نیست که خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت هر فردی است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و زندگی آینده او دارد و اخلاق و سلامت روانی فرد تا حدود بسیار زیادی در گرو آن است؛ چرا که فرد پس از متولد شدن تحت تأثیر افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده خود قرار می‌گیرد. از این رو خانواده اولین عاملی است که در رفتار تأثیر می‌گذارد. به طور کلی، طرز تفکر والدین یا سایر اعضای خانواده - به هر شکلی که باشد - کم و بیش در فرزندان آنان تأثیر می‌گذارد و آنچه در اینجا بیشتر مورد توجه است، آثار بد نواقص و کمبودهای خانوادگی است که متوجه سایر اعضای خانواده نیز می‌شود. در اثر همین نواقص است که فرزندان تحت شرایط خاص در معرض فساد و تباهی قرار می‌گیرند و به تدریج به سوی بزهکاری سوق داده می‌شوند. در درون خانواده نیز، در مقایسه با سایر اعضا، مادران بیشترین و مؤثرترین نقش را در صلاح و فساد فرزندان دارند؛ چرا که در این رابطه از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: سعادت و شقاوت هر کس از زمانی شروع می‌شود که در رحم مادر زندگی می‌کند.

### راهکارهای مقابله با شیوع طلاق

#### الف) راهکارهای فردی

#### ب) راهکارهای خانوادگی

#### ج) راهکار اجتماعی در راستای مقابله با شیوع طلاق می‌باشد.

### الف- راهکار فردی

#### 1- کفو و همسان بودن

از شرایط مهم ازدواج، همسان بودن است. زن و مردی می‌توانند در کنار همدیگر زندگی سعادت‌مندی را آغاز کنند که از نظر ظاهر و باطن به هم شباهت داشته باشند. قرآن در این زمینه می‌فرماید: «و الطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَ الطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (سوره نور، آیه ۲۶) زنان پاک، از آن مردان پاکند و مردان پاک از آن زنان پاک. رسول گرامی اسلام (ص) در این زمینه می‌فرماید: انکحوا الاکفاء و انکحوا منهنم و اختاروا لنطقتکم. (علامه مجلسی). زمینه ازدواج هم‌کفوها را فراهم کنید و با همسان خود ازدواج کنید. و آنان را برای به وجود آمدن فرزندان شایسته به عقد خود در آورید.. اولین مسأله در همسان بودن، ایمان و دیانت است. چه بسا زن و مردی که هر دو مسلمانند، ولی یکی مؤمن و دیگری بی‌ایمان است. دومین مسأله، داشتن تقوا است که در جنبه‌های رفتاری، رعایت حقوق متقابل، در برخورد با همسر و سایر افراد خانواده و نحوه اداره و تدبیر زندگی نمود می‌یابد. سومین مسأله، داشتن عقل و هوش است. در اسلام در مورد سطح هوشی توصیه شده است که همسری انتخاب کنید که توان عقلانی و شناخت زیادی داشته باشد. در روایات است که برای پسرانتان از احمق‌ها که بهره هوشی کمی دارند، انتخاب نکنید. البته احمق‌ها چند گونه‌اند: اول کسانی که بهره هوشی کمی دارند. گاه ممکن است کسی هوش معمولی داشته باشد، ولی قدرت تجزیه و تحلیل و قدرت حل مشکل و تفکر نداشته باشد؛ دوم کسانی که قدرت بحران‌شکنی ندارند و بعد عاطفی آنان معمولاً به توانهای شناختی آنها غلبه دارد و تصمیمات شتابزده و اضطراب‌انگیز می‌گیرند. بنابراین شایسته انتخاب نیستند.

## راهکارهای مناسب برای شناخت متقابل

وقتی قرار است دو نفر یک عمر با یکدیگر زندگی مشترک داشته باشند، باید دیدگاههای مشترک، سلیقه‌های متناسب با هم و افکار و اخلاق و روحیاتی که به یکدیگر نزدیک بوده، داشته باشند و حساسیتهای خانوادگی از دو سوی مورد توجه باشد. مگر نه این که ناسازگاریهای اخلاقی، اغلب پس از ازدواج و برآورده نشدن برخی توقعات متقابل یا ناهنجاریهای رفتاری زوجین یا فامیل‌های آنان بروز می‌کند! شناخت قبلی و پرس و جوهای پیش از عقد و کسب آگاهی از ویژگیها و مشاوره با دیگران، راهی برای پیشگیری از بروز اختلافات است.

## ب) راهکارهای خانوادگی

### 1- رفع اختلافات از طریق بزرگان فامیل

یکی دیگر از فرامین اسلام در جهت محدود کردن طلاق و جلوگیری از وقوع آن، که متأسفانه در جوامع اسلامی فراموش شده است، لزوم رجوع اختلافات زناشویی به حکمیت است. این حکمها باید از بین خویشاوندان طرفین و نزدیکان آنها باشند، تا دامنه اختلافات به خارج از محیط خانواده کشانده نشود؛ زیرا اختلافات خانوادگی، همین که از حدود خانواده تجاوز کرد، باعث می‌شود، زن و مرد اعتماد قبلی را از دست داده و محبت و دوستی که لازمه زندگی زناشویی است، از بین برود. به همین جهت، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ بَرِيْدًا إِصْلَاحًا يُوقِقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا (سوره نساء، آیه ۳۵).

آیه مذکور، اهمیت اصلاح و جلوگیری از جدایی و اختلاف را با نکته‌ای بس لطیف یادآور شده است و می‌فرماید: خداوند توفیق خود را شامل حال داورانی خواهد کرد که قصد اصلاح داشته باشند.

### 2- نداشتن توقع بی‌جای اطرافیان

اطرافیان باید بدانند که نباید بدون اجازه زن و مرد جوان، وارد حریم زندگی آنها شوند. اگر یک مادر، پسرش را برای مرد بودن و شوهر بودن، درست تربیت کرده باشد، دیگر نباید بعد از ازدواج در زندگی او دخالت کند. پدر و مادر باید فکر کند که پسرش بعد از ازدواج وظایف دیگری هم دارد. همچنین زن باید فکر کند که پدر و مادر شوهرش نهالی را بزرگ کرده و آن را به میوه‌دهی رسانده است و باید از او تقدیر کند.

دخالت‌های بی‌جا در زندگی زوجین از سوی فامیل هر دو طرف (مرد یا زن) ناپسند و غلط است؛ ولی دلسوزیهای صادقانه و اظهار نظرهای دلسوزانه و از سر صدق و خیرخواهی - نه دو به همزنی و انتقام‌گیری و تلافی کردن و... - لازم و کارساز است و خلأ کمبود تجربه را در زندگیهای مشترکی که تازه پاگرفته‌اند، پر می‌کند.

## ج) راهکارهای اجتماعی

### 1- برگزاری دوره‌های مناسب آموزش قبل از ازدواج

ایجاد واحدی آموزشی در دبیرستان که موضوعاتی چون آیین زندگی و سازگاری و تکامل را آموزش دهد، بسیار کارساز است. باید انگیزه‌های ازدواج، انتخاب و گزینه‌های مورد نظر را به جوانان آموزش داد.

### 2- آموزش حقوق زوجین

تدوین و ارائه آموزش‌های عمومی و رسمی حقوق زوجین به نسل جوان، برای آشنایی و آمادگی قبول مسؤلیت وظایف خود در خانواده می‌تواند در استحکام و دوام آن مؤثر باشد

### 3- مشاوره رایگان

ایجاد و توسعه مراکز مشاوره و راهنمایی مخصوص خانواده، متشکل از کارشناسان علوم دینی، روان‌پزشکان و مددکاران اجتماعی، راهگشا خواهد بود.

تلویزیون و تأثیر آن بر انحلال خانواده

در جامعه‌شناسی معمولاً چهار عامل اصلی برای جامعه‌پذیری در نظر گرفته می‌شود. خانواده، مدرسه، گروه همسالان و وسائل ارتباط جمعی. وسائل ارتباط جمعی مثل روزنامه، مجله، کتاب، تلویزیون، رادیو، سینما، ویدئو... ابزار مهمی هستند که در جامعه‌پذیری افراد نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

رسانه‌های جمعی معرفی‌کننده الگوها، نقشها، دیدگاه‌ها و چگونگی روی آوردن به سبک‌های مختلف زندگی می‌باشند، که ممکن است افراد جامعه به طریق دیگر هرگز به آنها دسترسی پیدا نکنند. تغییرات هنجاری و ارزشهای اجتماعی به سرعت در رسانه‌های گروهی منعکس می‌شوند و ممکن است به آسانی توسط مردمی که به نحو دیگر ممکن نبود به آنها دسترسی پیدا نمایند، پذیرفته شوند.

تأثیر این رسانه‌ها به قدری زیاد است که برخی از جامعه‌شناسان از امپریالیسم رسانه‌ای سخن به میان آوردند و به ایجاد یک امپراتوری فرهنگی اشاره می‌کنند، که کشورهای جهان سوم بویژه، در برابر آن آسیب‌پذیرند؛ زیرا منابع لازم را برای حفظ استقلال فرهنگی خود در اختیار ندارند.

بنابراین امپریالیسم رسانه‌ای با هدف یکسان‌سازی فرهنگی در کشورهای مختلف، در جهت تحقق اهداف خود تلاش می‌نماید تا آنچه را در کشور خود مرسوم است به سایر کشورها سرایت دهد.

از بین رسانه‌های گروهی، رادیو و تلویزیون نقش مهمی در ترویج فرهنگ‌های مختلف، بویژه غربگرایی دارند. البته باید توجه داشت که تأثیر تلویزیون بیشتر از رادیو است.

آمار رو به ازدیاد طلاق و فروپاشی خانواده در غرب و گرایش به خانواده‌های تک‌والدی و یا همجنس‌گرایی، گویاترین کارنامه برای تزلزل ارکان خانواده در فروپاشی بنای رأفت، عطوفت و مودت در زندگی غربی هاست.

متأسفانه هر چه فرهنگ کشورهای دیگر در جامعه ما گسترش یابد، آمار فروپاشی و انحلال خانواده هم افزایش می‌یابد. ازدیاد روز افزون پخش فیلم‌های آمریکایی از شبکه‌های مختلف سیما با گرایشهای فمینیستی که در آن زنان و دختران با ظاهری فریبنده و دور از حیطة خانواده و آزاد از هر قید و بند به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و حتی به نقش‌های غیر متعارف مشغولند، همچنین پخش برخی فیلم‌های داخلی که ندانسته به جنگ با خانواده سنتی برخاسته‌اند، تأثیر بسزایی در پذیرش فرهنگ آنان و بالطبع ازدیاد طلاق را به دنبال دارد. بنابراین با توجه به تأثیرات تعلیمی و تبلیغی رادیو و تلویزیون، این دستگاه‌ها می‌توانند وسیله‌ای برای ستیز با فرهنگ بیگانه یا ترویج آن باشند.

رسانه‌ها می‌توانند با استفاده از حوزه‌های فکری و کانونهای اندیشه در ارتقای سطح فرهنگی، دانش اجتماعی و زدودن فقر اطلاعات حقوقی و غیرحقوقی خانواده‌ها، نقش مهم داشته باشند.

باید مسؤلیت امر (صدا و سیما) در مرحله اول با سیاستگذاری صحیح در جهت کنترل فیلم‌هایی که نه تنها در قالب پیام‌های ارزشی در جهت آموزش برای داشتن یک خانواده متعادل، گام بر نمی‌دارد، بلکه به اختلافات خانوادگی نیز دامن می‌زند و در

یک کلمه مروج فرهنگ غرب هستند چاره‌ای اساسی بیندیشند و با ارائه الگوهای موفق فرهنگی و اجتماعی از زنان در عرصه‌های مختلف زندگی در گسترش فرهنگ پاسداری از حفظ کیان خانواده بکوشند.

### نتیجه‌گیری

مسئله طلاق در دین اسلام با وجود آنکه امری حلال به شمار می‌رود ولی بسیار منفور و نکوهیده است. آیات و روایات بی شماری به این مهم پرداخته شده است. به مسئله طلاق در همه ادیان و مذاهب نگاه ویژه و خاصی شده است. دین مبین اسلام با وضع قوانین شرعی، ایجاد انگیزه‌های روانی و وضع موانع طلاق تمهیدات مهمی را در راستای پیشگیری از طلاق، فراهم نموده است. پیامبر اکرم (ص) که خود نمونه بارز یک انسان کامل است و زندگی پربرکت ایشان الگوی بسیار مناسبی برای تشکیل خانواده در تمام اعصار به شمار می‌رود، مسئله طلاق را بسیار سرزنش نموده است و آیات و روایات حاکی از آن است که ائمه اطهار نیز توجه ویژه‌ای در راستای کاهش آن داشته‌اند.

در بررسی پیشینه برخی از طرح‌های انجام شده در مورد طلاق، تجمل‌گرایی، هوس‌بازی برخی همسران، درک نکردن متقابل، دخالت‌های بی‌جای اطرافیان، درآمد پایین، ازدواج در سنین کم، توسعه صنعتی و محیط زندگی، توقع‌های بی‌جا، اعتیاد، خشونت خانوادگی، اختلاف تحصیلی زوجین، اختلاف سنی زوجین، تحصیلات زوجین، تحصیلات پایین، همبستری‌های قبل از ازدواج، بارداری قبل از ازدواج، عدم وابستگی مذهبی، عضو خانواده طلاق بودن و احساس ناامنی کردن. عدم تعهد زوجین، مجادله زیاد، خیانت، عدم تحقق انتظارات، نزاع بین زوجین، عدم برابری در روابط جنسی و سوء استفاده و ... از عوامل اثرگذار بر طلاق می‌باشند.

به طور کلی توجه به بنیادی‌ترین نهاد یعنی خانواده در راستای کاهش مخاطرات و آسیب‌های جدی، در جامعه مؤثر می‌باشد. بررسی‌ها مبین این است که عوامل مؤثر بر طلاق یکسان نیست و اگر نهاد مقدس خانواده به هر شکلی دستخوش تغییرات منفی شود و آسیب ببیند، خود می‌تواند عاملی جهت بروز طلاق شود. علاوه بر نهاد خانواده، نظام آموزش و پرورش نقش مهمی در هدایت جامعه دارد، آموزش و پرورش، به‌عنوان نهاد اثرگذار در امر تعلیم و تربیت و فرهنگ‌پذیری افراد، می‌تواند ایفای نقش نماید. این نظام ارزشمند با آموزش و آگاه‌سازی فرزندان به یادگیری اهداف و ارزش‌های کلی در جامعه کمک می‌نماید و نقش مؤثری در امر مهم فرهنگ‌پذیری خواهد داشت. اگر بررسی عوامل اثرگذار بر طلاق، در راستای کاهش نرخ طلاق در کشور و استان است می‌بایست در جهت تقویت ساختار خانواده، با شناخت مسائل و مشکلات زوجین، گامی در کاهش این مشکلات برداشته. تا این نهاد مهم و اثرگذار، کمتر دستخوش مسائل متعدد آسیب‌زا شود. وقتی ازدواج، ابزاری مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌باشد، مسئولین می‌بایست بستری صحیح، برای این مهم به وجود آورند و جوانان را با آموزش و آگاه‌سازی در خانه و سپس جامعه، نسبت به این امر، یاری نمایند.

### منابع و ماخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابن منظور، لسان العرب، ماده طلاق.
۴. ایروانی، محمدرضا (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق، دومین همایش سراسری هجوم خاموش.
۵. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳
۶. برنستاین، فلیپ اچ؛ و مارسی تی. برنستای (۱۳۸۰). زناشویی درمانی، ترجمه عابدی و منشینی، تهران: رشد.

۷. بخشی، حامد (۱۳۸۳). نگرش به طلاق و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، رشته جامعه شناسی.
۸. تاج بخش، غلامرضا (۱۳۹۸). عوامل فردی مؤثر بر وقوع طلاق در شهرستان بروجرد، فصلنامه جمعیت سال بیست و ششم، بهار و تابستان، شماره ۱۰۷-۱۰۸.
۹. حسینی، سیدحسن (۱۳۸۶). جامعه شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، تهران: نشر سلیمان.
۱۰. اکرم حیدری، بلوغ - مشکلات روانی جوانان و نوجوانان، افت تحصیلی، صص ۷۰-۶۹.
۱۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، واژه طلاق.
۱۲. ستوده، نعمت. قربانی، دارین. دارین، علی. سوری، زینب (۱۴۰۱). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در متقاضیان شهرستان سمنان، کومش، جلد ۲۴، شماره ۳ (پیاپی ۸۹) خرداد و تیر.
۱۳. ستوده، هدایتا... (۱۳۹۹). آسیب شناسی اجتماعی، صص ۲۰۹.
۱۴. مجله شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، شماره ۵ و ۶، مقاله حق طلاق، نوشته دکتر جمشید جعفرپور
۱۵. ماهنامه رواق اندیشه، شماره ۳۰، مقاله مبغوضیت طلاق در اسلام، نویسنده: مریم رضایی.
۱۶. ریاحی، محمد اسماعیل؛ علی وردی نیا، اکبر و بهرامی کاکاوند، سیاوش (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق»، پژوهش زنان، دوره ۵، ش ۳، ۱۰۹-۱۴۰.
۱۷. صداقت. کامران و اسدیان. عقیل (۱۳۹۳). تبیین جامعه شناختی عوامل اجتماعی مؤثر بر طلاق، سال بیست و پنجم، شماره پیاپی ۵۴، شماره دوم.
۱۸. فلاحی، محمدعلی. دلدار، فائزه (۱۳۹۵). بررسی عوامل مؤثر بر طلاق در استانهای ایران، با تاکید بر عوامل اقتصادی، فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده، سال دهم، شماره ۳۴، بهار.
۱۹. فیروز جاثیان. علی اصغر، صادقی. سهیل، جانمحمدی. وحید، لطفی. طاهره (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه طلاق در ایران، پژوهشکده زنان دانشکده الزهرا، مطالعات زن و خانواده، دوره ۶، شماره ۲.
۲۰. مهدی کی نیا، عوامل اجتماعی طلاق، صص ۲۶-۲۵.
۲۱. سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی - حقوق خانواده، صص ۳۷۹.
۲۲. شیخ مفید، المقنعه، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۰ ق، صص ۵۳۰.
۲۳. محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، صص ۲۶۷.
۲۴. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، صص ۵۴۷.
۲۵. شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، صص ۳۱۲-۳۱۱.
۲۶. عزت الله عراقی، حقوق زناشویی در اسلام، صص ۲۰.
۲۷. محمدبن حسن حر عاملی، پیشین، ج ۱۴، صص ۳۱.
۲۸. علامه مجلسی. محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۰، صص ۳۷۳.
۲۹. علامه مجلسی. محمدباقر، پیشین، ج ۱۰۳، صص ۳۳۲.
۳۰. استاد مطهری. مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صص ۲۷۰-۲۶۹ و صص ۲۶۶-۲۶۵ و صص ۲۵۷-۲۵۵ و صص ۲۴۹-۲۴۷ و صص ۲۴۵-۲۴۶.

۳۱. محمد بن محمد بن نعمان مفید (شیخ مفید)، ارشاد مفید، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ص ۱۴۱. مشکینی. علی، ازدواج در اسلام، ترجمه احمد جنتی، صص ۷۷-۷۴.
۳۲. مدرسی. سید محمدتقی (۱۳۷۹). تصویری نو از روابط خانواده در قرآن، فصلنامه شورای فرهنگی - اجتماعی، شماره ۹، ص ۵۵
۳۳. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، صص ۴۳۲-۴۳۱.
۳۴. ادوار تایبر، بچه‌های طلاق، مترجم توراندخت تمدن، ص ۹۳.
۳۵. فولادی الف، شاه نعمتی ج. (۱۳۹۶)، بررسی دلایل طلاق در استان آذربایجان شرقی-تبریز-فصلنامه جامعه‌شناسی فرهنگی، ۲۰۱۶؛ ۶ (۱): ۳.
۳۶. محمدرضا قره‌بگلو، روانشناسی و مسائل نوجوانان و جوانان.
۳۷. ملک محمودی، امیر (۱۳۸۱). پس از طلاق، اصفهان، انتشارات شهید حسین فهمیده.
۳۸. شعبانی، عین... (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق در شهر تبریز، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.
۳۹. ملتفت، حسین. (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر به گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، دانشگاه شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی.
۴۰. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام، کتاب طلاق، ص ۲۷۴.
۴۱. نیک چهره محسنی. حسن، روان‌شناسی رشد، ص ۱۸۲.

42. Blosfeld, B.H.(2004) Causes and Consequences of Divorce, an Introduction to this Special Issue, Journal of Divorce & Remarriage, USA, vol. 4:pp 8-120
43. Doherty, H.William,(2007).How Common Is Divorce and What Are Reasons? Journal of family Issues, Vol.29.No.13, P 41-63
44. Ghotbi,et al. (2004). Divorve Situation and some Factors Affecting People Living in Absolute , Dolatabad. 3(12)(in persian).
45. Kalmijn, Matthijs & Jansen , M. (2004) Interaction between Cultural and Economic Determinates of Divorve in the Netherlands. Marriage and family. V.66,No.1,75-89.
46. Mukai, M.(2004).Modemization and Divorce in Japan , Marshall University. Thesis Submitted to for the Degree of Degree of Master of Arts in Sociology .<http://ezproxy.Marshall.edu:2048/login>.
47. ( <https://www.imamalicenter.se/fa/content>)